

آمریکا و چین؛ بررسی دو الگوی حکمرانی در عصر کرونا

محمود نورانی^۱

چکیده:

یکی از عمیق‌ترین حوزه‌هایی که با شیوع کرونا مورد پرسش قرار گرفت شیوه حکمرانی در کشورهای مختلف است. از چین تا آمریکا همه کشورها با بحران اقتصادی سیاسی مواجه شده‌اند. تنها تفاوت این کشورها با هم - فراسوی مارکسیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم - شیوه حکمرانی آن‌ها است. این که سیستم‌های حکومتی با چه سرعتی به کرونا واکنش نشان دادند؟ چقدر در برخورد با این بحران پویا بودند؟ فرایند سیاستگذاری خود را تا چه اندازه متناسب با شرایط بحران تنظیم کردند؟ جایگاه جهانی آمریکا و چین و رقابت میان این دو کشور چه تاثیری بر مدیریت بحران داشته است؟ پیامدهای بحران کرونا بر رقابت راهبردی میان دو کشور چگونه خواهد بود؟ چند سوال مهم و اثرگذار است که از پی پاسخ‌های آن‌ها می‌توان به ارزیابی کیفیت حکمرانی حکومت‌ها دست یافت. یافته‌ها در این مقاله که با روش تحلیل محتوا به ارزیابی نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان پرداخته، نشان می‌دهد اگر جهانی که پس از این بحران می‌آید جهانی باشد که در آن ایالات متحده تسلط کمتر و کمتری داشته باشد - تصور این تقریباً غیرممکن است که امروز هر کسی در مورد «لحظه تک‌قطبی» بنویسد - این روند تقریباً جدید نیست. این روند لااقل یک دهه است که رخ نموده است. تا حدودی، این نتیجه آن چیزی است که آن را «ظهور دیگران» نامیده‌اند (که این «دیگران» می‌تواند اشاره خاصی به چین باشد) که با وجود اینکه قدرت اقتصادی و نظامی مطلق آمریکا همچنان روندی رو به رشد دارد اما موجب افول و کاهش مزیت نسبی آمریکا شده است.

کلید واژه‌ها:

بحران کرونا، حکمرانی، چین، آمریکا، نظم جهانی، مدیریت بحران

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس، ایران Mahmod.nourani@modares.ac.ir

مقدمه

آنچه ما به عنوان نظام بین‌الملل^۱ می‌شناسیم، در معنای متعارف آن، اجتماعی از دولت-ملت‌ها^۲ است که در وضعیتی آنارشیک (فقدان فائده مرکزی) روابط میان خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که منافع ملی (بقاء، امنیت و در وهله بعد شکوفایی) آن‌ها را تأمین کند. شکل‌گیری و تکامل این نظام، تاریخی دویست‌ساله دارد که در چارچوب نظم بین‌الملل و عمدتاً توسط قدرت‌های بزرگ مدیریت شده است. پیدایی و کارکرد نظم-نظام بین‌الملل بر دولت-ملت‌ها و قابلیت‌هایشان برای حفظ بقاء و تأمین امنیت کشور در برابر مسائل و چالش‌های برآمده از روابط بین‌الملل استوار بوده است. (موسوی شفائی، ۱۶:۱۳۹۹)

در واقع آنچه در این روزها با شیوع ویروس کرونا به وقوع پیوسته است، تهدیدی بزرگ برای امنیت و حکمرانی جهان به بار آورده است. شیوع سریع جهانی این ویروس، علاوه بر ایجاد فضای ترس و نگرانی حاد برای عموم مردم در فضاهای جغرافیایی مختلف، اکثریت غالب حکومت‌ها و حتی حکومت‌های توسعه‌یافته و فراصنعتی غربی را نیز با چالش‌های جدی اقتصادی - اجتماعی و فضای جدید امنیتی مواجه ساخته و نظام‌های مختلف بهداشتی و درمانی آن‌ها را در بوته آزمون قرار داده است.

توقف اجباری و یا کاهش اجتناب‌ناپذیر بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی دینی در سطوح محلی، فرو ملی، ملی و بین‌المللی که به سبب شیوع ناگهانی بیماری کرونا حادث شده و منجر به بروز پیامدهای منفی در سطح خرد و کلان شده است، موجب شد تا برخی از صاحب‌نظران با ارتقای سطح تأثیرگذاری این رخداد در الگوی زیستمان بشری به جایگاه شتاب دهنده تاریخ‌ساز، از عصر «پساکرونا» یاد کنند. عصری که در آن تجدیدنظر و یا تغییر در الگوهای کنونی حکمرانی و زیست اجتماعی و تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در سطح «ملی» و «بین‌المللی» و مقدم بر چنین ساختارهای کارکردی، بازنگری هستی‌شناختی برخی مفاهیم بنیادین را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. (حافظ‌نیا و نورانی، ۲۴:۱۳۹۹)

قرنطینه و محدودیت آمد و شد حاصل از کرونا چنان در سطح جهان موثر بوده که میزان تولید آلودگی هوا و آلودگی صوتی به شکل قابل توجهی کاهش یافته، حیوانات به برخی شهرها بازگشته‌اند و طبیعت در برخی قسمت‌ها در حال احیا شدن است.

تاثیر کرونا بر اقتصاد هم چنان گویا و ملموس است که نیازی به هیچ گونه توضیحی ندارد. اقتصاد جهان یکی از جدی‌ترین بحران‌های خود را تجربه می‌کند و کشورهایی مثل آمریکا، چین، کانادا، هند، آلمان، انگلیس و فرانسه صراحتاً گفتند شرایط به بدی دوران جنگ جهانی است. آمریکا بزرگ‌ترین بسته کمک مالی را به اقتصادش تزریق می‌کند و رئیس‌جمهور فرانسه با "تواضع و صراحت می‌گوید" که نمی‌داند وضع فعلی کشورش تا چه زمانی ادامه دارد.

اما شاید یکی از عمیق‌ترین حوزه‌هایی که با شیوع کرونا مورد پرسش قرار گرفت شیوه حکمرانی در

¹ International System

² Nation-States

کشورهای مختلف است. از چین تا آمریکا همه کشورها با بحران اقتصادی و حتی سیاسی مواجه خواهند شد، بسیاری جان خود را از دست خواهند داد و مشکلات یک به یک سر می‌رسند. تنها تفاوت این کشورها با هم - فراسوی مارکسیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم - شیوه حکمرانی آن‌ها است. (سلام نو، ۱۳۹۹: ب۱)

این که سیستم‌های حکومتی با چه سرعتی به کرونا واکنش نشان دادند؟ چقدر در برخورد با این بحران پویا بودند؟ فرایند سیاستگذاری خود را تا چه اندازه متناسب با شرایط بحران تنظیم کردند؟ جایگاه جهانی آمریکا و چین و رقابت میان این دو کشور چه تاثیری بر مدیریت بحران داشته است؟ پیامدهای بحران کرونا بر رقابت راهبردی میان دو کشور چگونه خواهد بود؟ چند سوال مهم و اثرگذار است که از پی پاسخ‌های آن‌ها می‌توان به ارزیابی کیفیت حکمرانی حکومت‌ها دست یافت.

عملکرد چین و آمریکا در مواجهه با بحران کرونا

از نخستین روزهای آغاز شیوع کرونا در چین، نشانه‌های اثرات این ویروس بر چهره بین‌المللی این کشور و قدرت نرم پکن نمایان شد. از واکنش‌های نژادپرستانه به اقلیت‌های آسیایی در کشورهای غربی، تا انتشار روایت‌های اغراق‌شده و منفی درباره غذاهای چینی، فرهنگ چینی و سبک زندگی چینی‌ها، همه از جمله آسیب‌های نخستینی بودند که کرونا بر چین وارد کرد. با وجود زمان بد و شدت ویروس کرونا، پاسخ رهبر حزب کمونیست چین به این بحران به طرز قابل توجهی مشابه الگوی تصمیم‌گیری تاریخی است که حزب را در معرض نزاع‌های داخلی و خارجی و تردید قرار می‌دهد. (کردی، ۱۳۹۹: ۱۴۵) رژیم حزب کمونیست چین تحت رهبری «شی جین پینگ» که از گرداب‌ها و چالش‌های بین‌المللی و داخلی بیرون آمده است، اکنون از نظر سرمایه سیاسی در شرایط شکننده‌ای قرار دارد که اگر رژیم نتواند به این بحران پاسخ مناسبی بدهد و یا راه حل مناسبی به وجود بیاورد نمی‌تواند چهره و مشروعیت حزب را حفظ کند. (وبسایت تحلیلی فرادید، ۱۳۹۹: ۴۷۵)

به نظر می‌رسد دلیل اصلی این موضوع این طور باشد که چین، ساختار سیاسی متفاوتی دارد و این ساختار مخفی‌کار، به شکل فزاینده‌ای به یک مشکل تبدیل شده است. در چین حزب کمونیست قدرت را در کشور قبضه کرده که به هیچ وجه شفاف و پاسخگو نیست.

اما باید پذیرفت که تحلیل بحران سیاسی چین از زاویه رقابت ژئوپلیتیک قدرت‌های جهان، بدین معنا نیست که چین به دلیل اینکه منشا ویروسی همه‌گیر بوده، لزوماً باید عقب‌نشینی کند؛ برعکس، چین که سرمایه‌گذاری قابل توجهی بر روی دیپلماسی عمومی کرده، از آغاز کرونا همه تلاشش را برای مهار آسیب‌های سیاسی انجام داده است. (Campbell, 200: c32)

باید اذعان نمود که "روایت چین این است که در کنترل و مهار کرونا بسیار قوی و موفق عمل کرده و حالا هم در حال کمک به باقی کشورهای دنیاست. اما در مقابل آمریکا و دونالد ترامپ که از پس مهار بحران بر نیامده‌اند، می‌خواهند تاریخ را بازنویسی کنند و همه چیز را به گردن چین بیاندازند. (مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۷۵)".

اما از طرف دیگر دونالد ترامپ (رئیس جمهور سابق) و دولت آمریکا به دلیل سهل‌انگاری و تعلل در انجام اقدامات لازم برای مقابله با شیوع کرونا در نخستین هفته‌های شیوع ویروس کرونا در آمریکا، با انتقادات زیادی مواجه هستند. بر اساس آخرین آمارهای رسمی منتشر شده از سوی مراجع دولتی در آمریکا، تاکنون حدود ۱/۴ میلیون نفر در این کشور به ویروس کرونا مبتلا شده و بالغ بر ۸۱ هزار نفر از مبتلایان جان خود را از دست داده‌اند. آمریکا از لحاظ شمار مبتلایان و قربانیان ویروس کرونا، با اختلاف بسیار فاحشی نسبت به سایر کشورها در رتبه نخست جهان قرار دارد.

اگر دموکرات‌ها بر سر کار بودند الزاماً مسائل اقتصادی در اولویت نبود بلکه مسائل محیط زیستی و بشری در اولویت شان بود و حتماً بودجه قابل توجهی را به این بخش اختصاص می‌دادند. معتقدم اگر دموکرات‌ها اکنون بر سر کار بودند احتمالاً شاهد این واکنش کند و ضعیف از سوی دولت آمریکا به شیوع این ویروس و همه‌گیری آن نبودیم. (ابوالفتح: ۱۳۹۹: الف: ۲۴)

البته بعید است ساختار آمریکا با روندی که تاکنون دولت ترامپ پیش گرفته است همراهی کند جز چند ایالت با سیاست‌های ترامپ همراهی نکرده است. شاهد هستیم که ترامپ هر از گاهی وعده پایان این وضعیت و عادی شدن شرایط را می‌دهد در حالی که این مشکل به این زودی‌ها قابل کنترل نیست. برای کشوری در سطح آمریکا که یک ابرقدرت محسوب می‌شود کسر شأن است که دچار کمبودهایی از جمله در زمینه تهیه ماسک و تجهیزات پزشکی برای کادر درمانی‌اش شود. انتظار است نظام بروکراتیک این کشور به سرعت بتواند خود را منطبق کند اما این حجم از سردرگمی قابل تصور و پذیرش نیست. کشورهای که با تحریم و مشکلات اقتصادی زیاد دست و پنجه نرم می‌کنند اگر نتوانند تا حدودی از عهده مدیریت شرایط برآیند بحثی نیست اما کشوری در اندازه آمریکا نشان می‌دهد که ساختار سیاسی ایالات متحده بیش از حد، واقعیت‌های جامعه آمریکایی را کاملاً عکس بازنمایی می‌نماید. (ابوالفتح، ۱۳۹۹: ۱۴۵)

تأثیر رقابت‌های چین و آمریکا در سطح جهانی بر مدیریت بحران کرونا

در ابتدای شیوع کرونا سازمان بهداشت جهانی نسبت به شیوع آن در جهان هشدار داده بود و از کشورها خواسته بود خود را آماده کنند. اما ایالات متحده نه تنها از همکاری با سازمان بهداشت جهانی خودداری کرد بلکه برای سرپوش گذاشتن بر کوتاهی‌های خود در برخورد با شیوع کرونا، پرداخت مالی به این سازمان را نیز متوقف کرد.

بر اساس مواضع، دیدگاه‌ها و توپیت‌هایی که ترامپ از ابتدای شروع و گسترش این بیماری در آمریکا داشته است می‌توان گفت که به نظر آمریکا با تاخیر و مسامحه با این مساله رو به رو شده است. اقدامات دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در مورد بحران کرونا ابهامات بسیاری را درباره آینده قدرت تسلط آمریکا بر کشورهای در حال توسعه از جمله منطقه خاورمیانه و توانایی آن در رقابت با نفوذ رو به افزایش چین مطرح کرده است. مدیریت نامنجم ترامپ در این بحران و رفتار تهاجمی وی با مقامات ایالتی، سخنان عجیب در جلسات روزانه خبر که فقط حکایت از سخنان غرورآمیز و ستایش از عملکرد دولت دارد، تردیدهای بسیاری برای رفع این بحران به وجود آورده است. (euronews, 2020)

(i32)

در خصوص سیاست خارجی باید گفته شود دولت ترامپ از مدیریت بحران ویروس کرونا توسط پکن ناراضی است و به همین دلیل سازمان بهداشت جهانی را متهم به چشم‌پوشی از عملکرد چین کرده و دستور داده است تا کمک‌های مالی به این نهاد قطع شود. (washingtonpost, 2020: i27)

اکنون تعدادی از کشورها به دنبال پر کردن جای خالی واشنگتن در مقام رهبری دنیا هستند. در جبهه مقابل پکن به سرعت و به طرز ماهرانه ای از اشتباهات ایالات متحده استفاده خواهد کرد و در این خلا به وجود آمده، موقعیت خود را برای پر کردن جای خالی رهبری جهان تقویت خواهد کرد. این کشور در تلاش است تا برای سیستم خود حامیانی پیدا کند و به همین منظور کمک های خود را به دیگر کشورها روانه کرده است. این اقدام جسورانه چین نباید غلوآمیز دیده شود. با این همه چین اشتباهات خود را داشته است، به ویژه زمانی که این کشور در مراحل اولیه این بیماری قصد سرپوش گذاشتن روی آن را داشت و با این رفتار خود به گسترش این بحران در سراسر دنیا کمک کرد. با این حال چین به نیکی می داند اگر به عنوان رهبر دنیا دیده شود و آمریکا نیز تمایلی به رهبر دنیا نداشته باشد، این درک در دنیا به وجود خواهد آمد که پکن به طور اساسی جای آمریکا را در دنیا تغییر داده و رقابت در قرن ۲۱ را از آن خود کرده است. (foriegnfairs, 2020: i7)

پیامدهای بحران کرونا بر رقابت راهبردی میان دو کشور

موسسه تحقیقاتی امنیت ملی و امور بین الملل آلمان در مقاله‌ای از عملکرد دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و اعضای دولت وی بخصوص مایک پمپئو وزیر امورخارجه او نوشت: چین، کشوری که تا پیش از این کاخ سفید آنرا «رقیب راهبردی» خود می‌خواند، کشوری که دولت ترامپ آن را متهم در عملیاتی خرابکارانه علیه آمریکا می‌دانست، کشوری که وزارت خارجه آمریکا آن را یک دولت مستبد و ناقض حقوق بشر می‌خواند، کشوری که مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا آن را تهدید بالقوه برای سلامتی و روش زندگی آمریکایی‌ها توصیف می‌کرد؛ حال برای تامین نیازهای پزشکی خود جهت مقابله با ویروس کرونا و نجات جان شهروندانش، به این کشور روی آورده و به آن متکی شده و دولت دونالد ترامپ عملاً سرنوشت زندگی آمریکایی‌ها را به دستان چین سپرده است. (swp-berlin, 2020: i3)

اکنون برخی از کارشناسان معتقدند که روابط اقتصادی و سیاسی چین با کشورهای در حال توسعه از جمله خاورمیانه به دلیل بسط نفوذ و قدرت نرم خود، چنان تحکیم شده که چین بزرگترین سرمایه‌گذار در برخی از این کشورها و نخستین شریک تجاری برخی دیگر از آنهاست. قدرتیابی چین در دهه‌های اخیر باعث نگرانی استراتژیست‌های آمریکایی شده است. به طوری که در سال‌های اخیر برخی از ناظران و کارشناسان از انتقال توجه و تمرکز آمریکا از منطقه خاورمیانه به چین سخن می‌گویند. اگرچه چین تلاش می‌کند توسعه خود را با حاشیه‌های کم و حتی الامکان بدون برانگیختن حساسیت‌های رقبا به پیش ببرد با این حال به نظر می‌رسد کرونا تقابل بین دو قدرت را آشکارتر از هر زمان دیگری کرده است. (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

از نحوه مقابله آمریکا و چین با بحران کرونا چه الگویی برای هریک می توان به دست آورد؟ همه گیری بیماری کووید-۱۹ جهت گیری اقتصادی جهان را دستخوش تغییرات اساسی نخواهد کرد. این امر صرفاً تغییری که پیشاپیش آغاز شده را شتاب خواهد بخشید. این تغییر عبارت است از فاصله گیری از جهانی شدن آمریکا محور و حرکت به سمت جهانی شدن چین محور. (foreignpolicy, 2020: i20)

چرا این روند تداوم خواهد یافت؟ مردم آمریکا نسبت به جهانی شدن و تجارت بین المللی بی اعتقاد شده اند. توافقات تجارت آزاد امری مذموم و مسموم هستند، فرقی نمی کند دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در آنها دخیل باشد یا نباشد. برعکس، چین هنوز اعتقاد خود را از دست نداده است. چرا؟ این امر دلایل تاریخی عمیق تری دارد. رهبران چین اکنون به خوبی می دانند که یک قرن تحقیر کشورشان بین سال های ۱۸۴۲ تا ۱۹۴۹ حاصل بی خیالی چین و تلاش های بیهوده رهبران این کشور جهت انزواگزی و دوری از دنیا بوده است. برعکس، رستاخیز اقتصادی چین طی چند دهه گذشته حاصل تعامل با دنیا بوده است. مردم چین همچنین بطور گسترده به فرهنگ خود اعتماد پیدا کرده اند. آنها معتقدند که هر جایی می توانند رقابت کنند (همان)

از طرف دیگر؛ آمریکا دو گزینه پیش روی خود دارد. اگر هدف اصلی حفظ برتری جهانی باشد، این کشور باید به لحاظ سیاسی و اقتصاد دست به یک رقابت ژئوپلیتیکی حاصل جمع صفر با چین بزند. با این حال، اگر هدف آمریکا ارتقای رفاه مردم کشورش باشد — مردمی که شرایط اجتماعی شان رو به وخامت گذاشته است — در آن صورت باید با چین همکاری کند. عقل سلیم می گوید همکاری گزینه بهتری است. با این حال، با توجه به فضای سیاسی مسموم حاکم در آمریکا در خصوص چین، عقل سلیم شاید فائق نیاید (خضری، ۱۳۹۹: ۲۱)

در خصوص تهدیدات فراکشوری نظیر کووید-۱۹ و تغییرات آب و هوایی، سودای اعمال قدرت آمریکا بر دیگر کشورها به تنهایی کافی نیست. کسب اطلاع درباره اهمیت قدرت نزد دیگران نیز در راستای موفقیت نقش کلیدی ایفا می کند. هر کشوری منافع ملی خود را در اولویت قرار می دهد؛ سؤال مهمی که مطرح می شود این است که این منافع تا چه حد فراگیر یا محدود هستند. کووید-۱۹ نشان داد که ما قادر نیستیم راهبرد خود را با این دنیای جدید تطبیق دهیم (همان)

جمع بندی و نتیجه گیری:

بحران زیستی کرونا به مثابه یک اتفاق بزرگ دنیا را در حدی غافلگیر کرده است که حتی در فیلم های تخیلی نیز متصور نمی شد. پیامدهای انسانی و اجتماعی این بحران همه گیر در حدی گسترده است که می تواند فراتر از وضعیت ویژه ماندگاری هایی را پدید آورد که چون فاکتور تغییردهنده بازی مسیر تحولات جهانی را دگرگون سازد.

طبیعی است فرض کنیم که این مساله می تواند نقطه عطفی در تاریخ مدرن باشد. بیشتر این تحلیلگران استدلال می کنند جهانی که به آن وارد خواهیم شد اساساً متفاوت از جهانی است که قبل از آن وجود داشت. برخی پیش بینی می کنند که این بیماری همه گیر منجر به ایجاد نظم جهانی جدیدی به رهبری چین خواهد شد؛ برخی دیگر بر این باورند که این امر باعث زوال رهبری چین خواهد شد. برخی هم

می‌گویند یکی از مشخصه‌های بحران فعلی همانا فقدان آشکار رهبری آمریکا بوده است. ایالات متحده در یک تلاش جمعی برای مقابله با این ویروس یا تبعات اقتصادی آن دنیا را دور هم جمع نکرده است. ایالات متحده حتی نتوانسته جهان را حول رهبری خود برای پرداختن به این معضل در عرصه داخلی خود هماهنگ کند.

طبیعی است ژاپن و آمریکا نگران باشند که کرونا بر اقتصاد آنها اثر بگذارد و تا حدودی چین را در این مسیله مقصر بدانند، اما حتی این کشورها که روابط پیچیده ای با چین دارند، البته اگر نخواهیم بگوییم رقابتی چین هستند، نمی‌توانند از وضعیتی که چین دچار آن شده است خوشحال باشند، زیرا بحران در چین اثر منفی مستقیمی بر خود آنها خواهد گذاشت.

باین حال، در بحران کرونا این انتقاد به آمریکا وارد است که رویکرد چندجانبه گرایانه در برخورد با بحران کرونا را نادیده گرفته است یا حداقل می‌توان گفت تلاش دارد در تقابل خود با چین از آن استفاده کند.

روشن است بحث های هویتی، مسایل را از واقعیت های موجود که باید عمل‌گرایانه با آنها برخورد کرد، به بحث‌های ارزشی وارد می‌کنند که بازی بی پایان مقصریابی، اتهام، هراس و دیگری سازی را به وجود می‌آورد. در فضای درگیری با کرونا، جهان، به ویژه در اروپا و آمریکا بیش از شیوع بیماری، درگیر شایعات شدند.

متهم کردن کشورها موجب می‌شود مقامات برای مصون ماندن اعتبارشان، ترغیب شوند موقعیت بعدی را به عنوان «بدترین سناریوی ممکن» معرفی کنند که البته این مسیله برای مقابله با بحران بهترین راه حل یا به اصطلاح سناریوی «پشیمانی صفر»^۱ است. آسیب جانی این در نظر گرفتن بدترین سناریوی ممکن، ترس «اشتباه گرفتن» موقعیت و قضیه است که به جان تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار می‌افتد. این ترس موجب وقفه است و باعث می‌شود رهبران در همه سطوح؛ از تیم پزشکی تا دولتمردان، وقتی به نظرشان می‌رسد اطلاعات کافی ندارند، صبر کنند و از ترس ارتکاب اشتباه نتوانند قضاوت و بر مبنای آن تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، از نظر هیمن، مسیله این است که آیا منتقدان آمریکایی می‌خواهند شرایط انسانی بهتر یا بدتری به وجود آید. انتخاب آنها مسیله سرنوشت‌سازی برای بشریت است که خطوط آبی عبور کشورها از مرزهای ملی به بین‌المللی، تمایل آنها به همکاری و همکاری بین‌المللی و بهتر شدن امور جهانی را تعیین می‌کند.

اما اگر جهانی که پس از این بحران می‌آید جهانی باشد که در آن ایالات متحده تسلط کمتر و کمتری داشته باشد- تصور این تقریباً غیرممکن است که امروز هر کسی در مورد «لحظه تک‌قطبی» بنویسد- این روند تقریباً جدید نیست. این روند لاقول یک دهه است که رخ نموده است. تا حدودی، این نتیجه آن چیزی است که صاحب‌نظران آن را «ظهور دیگران» نامیده (که این «دیگران» می‌تواند اشاره خاصی به چین باشد) که با وجود اینکه قدرت اقتصادی و نظامی مطلق آمریکا همچنان روندی رو به رشد دارد اما موجب افول و کاهش مزیت نسبی آمریکا شده است.

¹ No Regrets

منابع:

۱. "قمار ترامپ با جان مردم آمریکا"، روزنامه اعتماد، منتشر شده در تاریخ ۲۵-۰۱-۹۹.
۲. ابعاد سیاسی - اقتصادی شیوع ویروس کرونا، شورای راهبردی روابط خارجی، منتشر شده در تاریخ ۲۹/۱۱/۹۸
۳. امید خضری، تاثیرات اقتصادی شیوع ویروس کرونا در سطح بین المللی، اندیشکده راهبردی تبیین، منتشر شده در تاریخ ۲۱-۰۲-۱۳۹۹
۴. چرا کرونا حکمرانی دنیا را متحول خواهد کرد؟، پایگاه اینترنتی سلام نو، منتشر شده در تاریخ ۲۶-۰۱-۱۳۹۹
۵. چین و رویای ابرقدرت شدن، وبسایت خبری-تحلیلی فرادید، منتشر شده در تاریخ ۲۹-۰۲-۱۳۹۹
۶. حافظ نیا، محمدرضا و نورانی، محمود، "بحران کرونا و تحول مفهوم امنیت ملی و بین الملل"، دیده بانی علمی بیماری کووید-۱۹، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۹، بازیابی در وبسایت:
۷. دعوای چین و آمریکا بر سر ویروس کرونا، وبسایت خبری-تحلیلی یورونیوز، منتشر شده در تاریخ ۱۷-۰۳-۲۰۲۰
۸. رقابت استراتژیک بین ایالات متحده و چین، موسسه تحقیقاتی امنیت ملی و بین الملل آلمان، منتشر شده در تاریخ ۰۳-۰۴-۲۰۲۰
<https://per.euronews.com/2020/03/17/us-china-accuse-each-other-of-coronavirus-fear-mongering>
۹. کرونا چگونه ممکن است نظم جهانی را تغییر دهد؟ / چین جای آمریکا را می گیرد؟، وبسایت خبری تحلیلی الف، منتشر شده در تاریخ ۲۷-۰۱-۱۳۹۹
۱۰. کورت کمبل، "برنده و بازنده سیاسی کرونا"، مجله فارین افرز، منتشر شده در تاریخ ۱۸-۰۳-۲۰۲۰
<https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2020-03-18/coronavirus-could-reshape-global-order#>
۱۱. پیش بینی ۱۲ اندیشمند برجسته بین المللی درباره «نظم جهانی» پس از بحران کرونا، نشریه فارین پالیسی، منتشر شده در تاریخ ۲۰-۰۳-۲۰۲۰
<https://foreignpolicy.com/۲۰/۰۳/۲۰۲۰/world-order-after-coroanvirus-pandemic/>
۱۲. مدیریت بحران کرونا برای ابرقدرتی چون آمریکا سرشکستگی دارد، گفتگو با امیرعلی ابوالفتح، خبرگزاری ایسنا، منتشر شده در تاریخ ۲۴-۰۱-۹۹
۱۳. موسوی شغابی، مسعود و گل محمدی، ولی، "روابط بین الملل پساکروناوی"، دیده بانی علمی بیماری کووید-۱۹، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۹
۱۴. مهدی کردی، دیپلماسی کرونایی چین؛ اهداف و پیامدها، اندیشکده راهبردی تبیین، منتشر شده در تاریخ ۱۴-۰۲-۱۳۹۹

۱۵. نریمانی، گلناز و همکاران، تحلیلی بر راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۶۵-۲۰۲
۱۶. همه گیری کرونا و از بین رفتن پرستیژ ایالات متحده، اشان تارور، روزنامه واشنگتن پست، منتشر شده در تاریخ ۲۷-۰۴-۲۰۲۰،

<https://www.washingtonpost.com/world/2020/04/27/pandemic-waning-american-prestige/>